

متن پیاده سازی شده جلسه هشتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 30 مهر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در صدد بیان کلمات مرحوم نائینی بودیم و حرف های جدید ایشان را که در کلام مرحوم شیخ و مرحوم آخوند وجود نداشت را داشتیم بیان می کردیم.

ملاحظه فرمودید که موافقین شهرت در فتوا تا به حال دو دلیل را ذکر کرده اند :

1: دلیل اعتباری یا دلیل اولویت: بیان مطلب ؛ ظن حاصل از شهرت اقوی است از ظنی که از خبر واحد حاصل می شود؛ اگر ملاک حجیت خبر واحد این باشد، در شهرت این ملاک قوی تر است.

2: دلیل نقلی: تمسک به دو روایت زراره و ابن حنظله بود که مطرح شد.

دلیل سوم موافقین شهرت در فتوا در کلمات مرحوم نائینی

3: تمسک به آیه مبارکه نباء: ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا ....

بیان مطلب: مراد از جهالت در آیه سفاهت و عمل بی خردانه است که سبب پشیمانی می شود؛ و لذا معنی آیه این می شود که اخذ به خبر سفیهانه اشکال دارد نه غیر آن؛ و ما می دانیم که اخذ به شهرت اخذ به خبر سفیهانه نیست. جواب این استدلال می تواند مرحله ای داشته باشد:

استاد: از کجا می گوئید که اخذ به مشهور اخذ به عمل سفیهانه نیست ( این خودش اول الکلام است)

پاسخ مرحوم نائینی: جناب مستدل، آیه نهی می کند از اخذ به آنچه که عمل به آن سفیهانه است اما آیه دلالت ندارد که خبری که در آن سفاهت نیست اخذ شود؛ به عبارتی ، آیه دلالت سلبی دارد اما دلالت ایجابی ندارد.

از شخصیت های که در اصول داریم محقق عراقی و اصفهانی است؛ کلام این بزرگان را ما معمولاً نقل می کنیم اما در این بحث این دو بزرگوار مطلب جدیدی ندارند .

از کسانی که در اینجا مطلب جدید دارد محقق خوبی است؛ ایشان از بنیان ، با دیگران فرق دارد و می شود گفت مشهورترین مبنای اصولی مرحوم خوبی در همین این بحث است .

بیان مطلب : ایشان هم مثل مرحوم نائینی ، مرحوم آخوند و شیخ انصاری معتقد است به صرف شهرت نمی شود فتوا داد و شهرت کارایی استقلال ندارد و ایشان معتقد است اولاً: شهرت در دو روایت مقبوله و روایت زراره، شهرتی نیست که مرحوم شیخ و نائینی و... می گویند ثانیاً: سلمنا که اگر حرف این بزرگان درست باشد اما باز این شهرت به درد سنجه ترجیح نمی خورد؛ و در تعارض فقط دو سنجه به درد می خورد 1: موافقت با قران 2: موافقت و مخالفت با عامه

بیان کلام ایشان: امام علیه السلام در مقبوله می فرماید : ان المجمع علیه لا ریب فیه ... منظور این است که اگر دو روایت داشتیم که یکی مجمع علیه بود و دیگری شاذ بود ، یقین کنید که مجمع علیه صادر شده است و خبر شاذ عن جد صادر نشده است ؛ اصلاً خبر شاذ صلاحیت حجیت ندارد.

استاد: در متعارضین می گویند هر دو خبر شرایط حجیت را دارند یعنی مقتضی دارند اما مانع هم دارند و لذا گفته می شود متعارضین حجیت فعلی دارند ؛ اما اگر در جایی بدانیم یک خبر صادر نشده است اصلاً بحث تعارض و سنجه ترجیح پیش نمی آید.

مرحوم آقای خوبی می فرماید: در روایت مقبوله امام علیه نفرموده اند که دو روایتی که حجیت دارند را لحاظ کن و آنکه مشهور است را اخذ کن بلکه حضرت می فرماید خبر شاذ اصلاً شرایط حجیت را ندارد و لذا از باب تعارض خارج است.

اما روایت زراره: در این روایت تعبیر خذ بما اشتهر بین اصحابک ... دارد؛ محقق خوئی: از شهرت اگر امروز در حوزه نجف و قم سوال کنی بله شهرت مصطلح را می گویند اما در صدر اسلام شهرت بمعنای واضح بود و غیر مشهور به معنای غیر واضح بود؛ امام علیه السلام می فرماید اگر دو روایت تعارض کرد آن روایتی که با مبانی شیعه می خواند و واضح است را اخذ کن و خبری که ناواضح است را رها کن.

اشکالی ممکن است به کلام محقق خوئی وارد شود و اشکال این است که در روایت آمده است که اگر هر دو مشهور بودند چه کنیم؟ هر دو مشهور بودند به قول مرحوم خوئی یعنی هر دو قطعی بودند؟ مگر ممکن است دو خبر متعارض هر دو قطعی باشند؟

محقق خوئی پاسخ می دهد: بله ممکن است دو روایت قطعی با هم متعارض باشند مثلاً خبری از روی تقیه صادر شده باشد و خبری از روی جد صادر شده باشد؛ پس ممکن است دو خبر مشهور و قطعی فرض کنیم که یکی حائز شرایط است و دیگری فاقد شرایط است.

استاد: من عرض کردم که برای تعارض سه جهت باید تمام باشد:

1: سند درست باشد.

2: دلالت تمام باشد.

3: جهت درست باشد. (تقیه ای نباشد)

روایتی که از روی تقیه صادر شده باشد اصلاً شرایط حجیت را ندارد که در تعارض داخل شود؛ چگونه مرحوم آقای خوئی و دیگران تقیه و عدم تقیه را جز سنجه های ترجیح می دانند؟

جواب این سوال در بحث تعادل و ترجیح می آید انشالله

نکته: مرحوم آقای خوئی روایت ابن حنظله را قبول ندارد و اطلاق مقبوله از ناحیه ایشان به این روایت، برای مماشات با قوم است؛ آن روایتی که در آن ابن حنظله توثیق شده است هم متأسفانه سند درستی ندارد و مرحوم آقای خوئی هم به سند بسیار حساس است؛ و روایت زراره هم بالاتفاق سنداً ضعیف است.

نکته: مرحوم آقای خوئی شهرت در روایت را سنجه ترجیح قرار نداد اما نسبت به شهرت عملی محقق خوئی می فرماید عمل کردن فقهاء به روایت سبب تقویت روایت نمی شود چنانکه اعراض فقها از روایتی که سند خوبی دارد قدحی به روایت وارد نمی کند.

محقق خوئی در محاضرات می فرماید: شهرت بین علما صفر است خبر ضعیف هم صفر است و از دو صفر، عدد تولید نمی شود؛ نقطه مقابل ایشان مرحوم صاحب جواهر است که می فرماید کلما ازداد ضعفاً ازداد قوتاً...

استاد: برخورد محقق خوئی مدرسه ای است و در صحن اجتهاد فقیه می فهمد که خیلی از مولفه ها تاثیر دارد مثلاً اگر به یک روایت ضعیف همه فقها عمل کنند عقل حساب گر این روایت را می پذیرد.

**و الحمد لله رب العالمین**